

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 20, No. 4, Summer 2020, 205-222  
Doi: 10.30465/crts.2020.27600.1637

## **An Introduction and a Critical Look at *Metaphor: A Practical Introduction***

**Fatemeh Rakei\***

### **Abstract**

The book *Metaphor: A Practical Introduction* by Zoltán Kövecses is one of the multi-purpose sources to show the meaning of metaphor. The 2<sup>nd</sup> edition of the book was published in 2010 by Oxford University. Ms. Shirin Poor Ebrahim has translated the 2<sup>nd</sup> edition in 2014, which has been published by the Organization for Researching and Composing University textbooks in the Humanities (SAMT Publications). The present research has been done to introduce and study the translated text from various views. In this study, at first, the original version and its translation have been introduced, and the specifications of the translated book with regard to its original versions are studied both from the view of structure and content. The study shows that the translated text as a whole is praiseworthy, and the translator has translated the text attentively and patiently, and the outcome is fluent. Nevertheless, some points about the Persian text are worth to be mentioned. In the present article, the critic has studied the various aspects of the translated book and has proposed some suggestions to be employed in the second edition.

**Keywords:** Cognitive Semantics, Conceptual Metaphor, Mapping, Source Domain and Target Domain, Book Critique.

---

\* Associate Professor in General Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies,  
fatemehrakei@gmail.com

Date received: 2019-12-14, Date of acceptance: 2020-05-30

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## معرفی و نقد کتاب مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره

فاطمه راکعی\*

### چکیده

کتاب مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره (*Metaphor: A Practical Introduction*) نوشته زولتن کوچش (Zoltan Kovecses) یکی از منابعی است که با هدف معرفی چندجانبه مفهوم استعاره نوشته شده و انتشارات دانشگاه آکسفورد ویراست دوم آن را در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است. این کتاب را شیرین پورابراهیم در سال ۱۳۹۳ ترجمه کرده و انتشارات سمت آن را به چاپ رسانده است. این پژوهش با هدف معرفی و بررسی نسخه ترجمه‌شده این اثر انجام گرفته است. به این منظور، در این نوشتار ابتدا، دو نسخه اصلی و ترجمه‌شده معرفی شده‌اند و ویژگی‌های شکلی و محتوایی نسخه ترجمه‌شده با در نظر داشتن نسخه اصلی کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی‌ها حاکی از آن است که در مجموع، نسخه ترجمه‌شده از نظر شکلی و ساختاری وضعیت خوبی دارد و مقایسه آن با نسخه اصلی کتاب مشخص می‌کند که مترجم زمان زیادی را برای ارائه ترجمه‌ای خوب و روان صرف کرده و در امر ترجمه موفق بوده است. با این حال، برخی از نکات در مورد نسخه ترجمه‌شده کتاب قابل ذکر است، که در این مقاله نگارنده آن‌ها را بررسی کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** معناشناسی شناختی، استعاره مفهومی، نگاشت، حوزه مبدأ و حوزه مقصد، نقد کتاب.

---

\* عضو هیئت علمی گروه زبان‌شناسی کاربردی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،  
fatemehrakei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰

## ۱. مقدمه

ارسطو بنیان‌گذار نظریه کلاسیک استعاره شناخته می‌شود. تعریفی که او از استعاره ارائه می‌کند استعمال نام چیزی به جای چیز دیگر است (خادم‌زاده و سعیدی‌مهر ۱۳۹۳: ۸). استین (Steen 2011) بر این باور است که تا دهه ۱۹۷۰ برداشتی کم‌وبیش مشابه درخصوص استعاره وجود داشت. بر این اساس، استعاره عموماً پدیده‌ای زبانی و بلاغی دانسته می‌شد. این دیدگاه از زمان انتشار کتاب ارتنی (Ortony 1979) با عنوان *استعاره و تفکر* متحول شد. به این ترتیب که استعاره سازکاری مربوط به تفکر معرفی شد. استین بر این باور است که انتشار این اثر باعث شد تا زمینه پیدایش اثر دوران‌ساز لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson 1980) یعنی *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم* (*Metaphors We Live by*) فراهم شود. دیدگاه‌های لیکاف و جانسون درباره استعاره شناختی در این کتاب، که به نظریه «استعاره مفهومی» شهرت دارد، در دهه بعد کامل‌تر شد و امروزه با عنوان «نظریه معاصر استعاره / Conceptual Metaphor Theory» (Lakoff 1993) شناخته می‌شود (Ibáñez and Hernandez 2011). به اعتقاد لیکاف و جانسون (Lakoff and Johnson 1980: 8) شناخت حوزه‌های مفهومی ذهن مبنایی استعاری دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی نقشی اصلی در تبیین واقعیات روزمره زندگی دارد و از آن‌جاکه این نظام ساختاری استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه‌اندوختن، و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاری دارد (افراشی ۱۳۹۵: ۶۶). از دید ایشان، استعاره فقط ابزاری برای تصویرسازی‌های شاعرانه و نوعی آرایه ادبی نیست (Lakoff and Johnson 1980: 3)، بلکه جوهره اصلی استعاره تجربه و فهم یک چیز با چیزی دیگر است (ibid.: 5). لیکاف و جانسون معتقدند از آن‌جاکه مفاهیم و فعالیت‌های (کنش‌ها) ما به‌صورتی استعاری ساختار یافته‌اند، زبان ما نیز به‌شیوه‌ای استعاری ساختار یافته است. ما به‌ندرت از استعاره‌های از پیش‌انگاشته‌شده در کاربرد روزمره زبانمان آگاهی داریم. این استعاره‌ها فقط در واژه‌هایی که به‌کار می‌بریم، وجود ندارند، بلکه در مفاهیمی که به‌صورت روزمره از آن‌ها استفاده می‌کنیم نیز حضور دارند. ما درمورد یک چیز به‌شیوه‌ای خاص صحبت می‌کنیم، زیرا درواقع، آن را به همان صورت تصور می‌کنیم و این فرایند به همین نحو دست‌به‌دست می‌شود تا به شیوه عمل کرد ما می‌رسد (ibid.: 5-7).

با فراگیر شدن مطالعات و بررسی‌های استعاره مفهومی و به‌علت ماهیت بینارشته‌ای آن، آشنایی و شناخت دقیق این مفهوم و جنبه‌های مختلف مطالعه آن به ضرورتی برای

پژوهش‌گران و دانشجویان علاقه‌مند در رشته‌های مختلف علمی (زبان‌شناسی، علوم شناختی، ادبیات، نقد ادبی، و ...) تبدیل شده است. در نتیجه، وجود منابع و مراجع معتبری که بتواند علاقه‌مندان را در نیل به این هدف یاری رساند از ملزومات اساسی جوامع علمی کشور است. کتاب *استعاره: مقدمه‌ای کاربردی* نوشته زولتن کوچش یکی از این منابع است که ترجمه آن به فارسی می‌تواند به آشنایی پژوهش‌گران فارسی‌زبان با مفهوم استعاره مفهومی از جنبه‌های مختلف به‌طور وسیع کمک کند. هدف در این پژوهش معرفی و بررسی نسخه ترجمه‌شده این اثر، با عنوان *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره* است. به این منظور، در این نوشتار ابتدا، دو نسخه اصلی و ترجمه‌شده معرفی می‌شوند و سپس، ویژگی‌های شکلی و محتوایی نسخه ترجمه‌شده، با در نظر داشتن نسخه اصلی کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان نیز جمع‌بندی از نتایج بررسی و پیش‌نهادهایی ارائه می‌گردد.

## ۲. معرفی کلی اثر

زولتن کوچش استاد زبان‌شناسی گروه پژوهشی مطالعات آمریکایی دانشگاه اوتوس لوراند (Eötvös Loránd University) بوداپست در کشور مجارستان است. زمینه‌های اصلی پژوهشی او شامل مفهوم‌سازی عواطف، مطالعات استعاره و اصطلاحات، رابطه زبان و ذهن و فرهنگ، زبان عامیانه (slang)، و انگلیسی آمریکایی است. هم‌چنین، او در حوزه فرهنگ‌نگاری فعالیت می‌کند و چند فرهنگ واژه مجارستانی - انگلیسی و انگلیسی - مجارستانی تألیف کرده است. کوچش عضو هیئت تحریریه چندین مجله علمی، از جمله مجله *زبان‌شناسی شناختی* است. از جمله مهم‌ترین آثار او می‌توان به این موارد اشاره کرد: *زبان عشق* (۱۹۸۸)، *مفاهیم عاطفی* (۱۹۹۰)، *استعاره و عاطفه* (۲۰۰۰)، *استعاره در فرهنگ، همگانی‌بودن و گوناگونی* (۲۰۰۵)، *زبان، ذهن و فرهنگ: مقدمه‌ای کاربردی* (۲۰۰۶)، *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره* (۲۰۱۰)، و *خاستگاه استعاره: بازنگری بافت در استعاره* (۲۰۱۵) است.

ویراست دوم کتاب *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره* را انتشارات دانشگاه آکسفورد در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است. این کتاب را با عنوان *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره* شیرین ابراهیمی در سال ۱۳۹۳ ترجمه کرده و انتشارات سمت آن را به چاپ رسانده است. کتاب اصلی در ۳۷۵ صفحه، و مشتمل بر نوزده فصل تنظیم است و با پیش‌گفتار ویراست دوم و پس از آن، پیش‌گفتار ویراست اول نویسنده آغاز می‌شود. بعد از آن،

بخش‌های تقدیر و تشکر ویراست دوم و اول قرار دارند. بخش بعدی کتاب فهرست مطالب است که فقط عنوان فصل‌ها را در بر می‌گیرد.

نسخه ترجمه‌شده کتاب مشتمل بر ۴۸۷ صفحه و در قطع وزیری تنظیم شده است. کتاب با فهرست مطالب آغاز می‌شود و پس از سخن مترجم و پیش‌گفتارهای دوم و اول نویسنده، نوزده فصل را در بر می‌گیرد. در آخر واژه‌نامه توصیفی، پاسخ تمرین‌ها، فهرست منابع، نمایه اعلام و موضوعی، نمایه استعاره‌های مفهومی و نمایه مجازهای مفهومی، به همان ترتیب نسخه اصلی کتاب آورده شده است. فهرست مطالب نسخه ترجمه‌شده در مقایسه با نسخه اصلی از جزئیات بیش‌تری برخوردار است و عنوان‌های فرعی را نیز شامل می‌شود. فصل‌های کتاب به این ترتیب‌اند: فصل اول: استعاره چیست؟؛ فصل دوم: حوزه‌های مبدأ و مقصد رایج، فصل سوم: انواع استعاره، فصل چهارم: استعاره در ادبیات، فصل پنجم: صورت‌های غیرزبانی استعاره‌های مفهومی، فصل ششم: بنیان استعاره، فصل هفتم: ماهیت نسبی انطباق‌های استعاری، فصل هشتم: الگوهای شناختی، استعاره‌ها و صورت‌بندی آن‌ها، فصل نهم: استلزام‌های استعاری، فصل دهم: گستره استعاره، فصل یازدهم: نظام‌های استعاره، فصل دوازدهم: صنعتی دیگر: مجاز، فصل سیزدهم: جهان‌شمولی استعاره‌های مفهومی، فصل چهاردهم: تنوع فرهنگی در استعاره و مجاز، فصل پانزدهم: استعاره، مجاز و اصطلاحات، فصل شانزدهم: استعاره و مجاز در مطالعه زبان، فصل هفدهم: استعاره‌ها و آمیخته‌ها، فصل هجدهم: استعاره در گفتمان، فصل نوزدهم: چگونه این همه حلقه را به هم زنجیر کنیم. با وجود این که موضوع اصلی کتاب مبحث استعاره است، تأکید کویچس در تألیف این اثر استعاره مفهومی، با اتخاذ رویکرد شناختی است؛ به همین علت، افرادی نظیر فورسویل (Forceville 2003)، استین (Steen 2003)، و مک‌آرتور (MacArthur 2011) در مورد عنوان این اثر و منابع و مباحث مطرح‌شده در آن، عبارت «استعاره شناختی» به جای «استعاره» را در عنوان این کتاب دقیق‌تر می‌دانند.

بخش پایانی کتاب به واژه‌نامه توصیفی، پاسخ تمرین‌ها، فهرست منابع، نمایه اعلام و نمایه موضوعی، نمایه استعاره‌های مفهومی، و نمایه مجازهای مفهومی اختصاص داده شده است که به بهتر شدن ساختار کتاب و دسترسی سریع‌تر به مفاهیم مطرح‌شده در آن کمک می‌کند. وجود بخش پاسخ برای تمرین‌ها به تقویت بار آموزشی کتاب کمک بسیار کرده است. با وجود این، نبودن واژه‌نامه فارسی به انگلیسی از جمله نقاط ضعفی است که بهتر است در چاپ‌های بعدی کتاب مورد توجه قرار گیرد.

استعاره مفهومی از مفاهیم اساسی مطرح در معناشناسی شناختی است. موضوع استعاره در چند دهه اخیر توجه بسیاری را در حوزه‌های آموزشی و پژوهشی به خود معطوف کرده و جست‌وجویی کوتاه در پایگاه‌های استنادی علمی ملی و بین‌المللی مؤید این موضوع است. از این نظر، تلاش برای خلاصه‌کردن این حجم عظیم از اطلاعات و دستاوردها در قالب کتابی مقدماتی، که در عین حال جامع نیز باشد، بسیار دشوار است. باین حال، کوچش در سال ۲۰۰۲ با پذیرش چنین چالشی نخستین ویراست کتاب *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره* را تألیف کرد و بسیاری از مفاهیم پیچیده مطرح در زبان‌شناسی شناختی را درباره استعاره به واسطه سبک نگارش ساده‌اش در اختیار علاقه‌مندان قرار داد (Steen 2003; MacArthur 2011). پیشرفت‌های به‌وجود آمده در علوم شناختی و زبان‌شناسی شناختی در سال‌های پس از انتشار ویراست اول این کتاب به‌روزرسانی و بازنگری در موضوع‌های مطرح‌شده در آن را به یک ضرورت تبدیل کرد و به همین علت در سال ۲۰۱۰ ویراست دوم این کتاب با افزودن حدود نود صفحه و دو فصل جدید به نسخه پیشین انتشار یافت. مترجم در بخش «سخن مترجم» سه ویژگی کلی را برای این اثر معرفی کرده است: بدیع‌بودن استعاره شناختی در مقایسه با رویکردهای سنتی به مطالعه استعاره؛ جامع‌بودن این کتاب، به این معنا که تقریباً تمامی حوزه‌های مربوط به مطالعات شناختی استعاره را در بر می‌گیرد؛ و نحوه ارائه مطالب با زبانی روشن و گویا که برای افراد مبتدی و ناآشنا به استعاره مفهومی طراحی شده است. همین ویژگی‌ها ترجمه این اثر را به یک ضرورت تبدیل کرده است. به همین ترتیب، مطالعه و بررسی نسخه ترجمه‌شده آن پرارزش و شایان توجه است. استعاره مفهومی پدیده‌ای چندبُعدی است و موجب شده است پژوهش‌گران با تخصص‌های گوناگون آن را بررسی کنند. امروزه، پژوهش در زمینه استعاره‌های مفهومی به یک تخصص تبدیل شده است (افراشی ۱۳۹۷) و به این علت، ترجمه آثار مطرح در این حوزه می‌تواند تلاشی باشد به‌منظور آشنایی دانشجویان و پژوهش‌گران فارسی‌زبان علاقه‌مند به این حوزه با منابع معتبر بین‌المللی. از این منظر، این کتاب را می‌توان پاسخ‌گوی بخشی از نیازهای علمی کشور در رشته زبان‌شناسی، و به‌طور خاص، معناشناسی شناختی دانست.

### ۳. نقد شکلی اثر

طرح روی جلد کتاب همانند نسخه اصلی آن است. تصویر نیم‌رخ سر انسان و قرارگرفتن چند چرخ‌دنده در ناحیه مغز و بیرون‌زدن ابری از دایره‌های رنگارنگ و پرتعداد با محتوای

کتاب و موضوع اصلی آن، یعنی استعاره مفهومی، که سازکاری ذهنی است و می‌تواند بازنمودهای زبانی و غیرزبانی مختلفی داشته باشد، هماهنگی دارد و قادر است به خوبی این مفهوم را به ذهن خواننده متبادر کند. کیفیت کاغذ استفاده شده و همچنین کیفیت چاپ بسیار خوب است، به گونه‌ای که تمیزی چاپ و کیفیت بالای آن، به ویژه در صحافی، ورق زدن کتاب را ساده کرده است و به نظر می‌رسد در استفاده بلندمدت شیرازه آن دچار اشکال نشود. از نکاتی که پیش از خواندن متن جلب توجه می‌کند می‌توان به این موارد اشاره کرد: حاشیه‌ها در همه صفحه‌ها به خوبی رعایت شده‌اند و با وجود حجم نسبتاً زیاد کتاب اشکالی از نظر صفحه‌آرایی (پاراگراف‌بندی، تنظیم جدول‌ها و نمودارها) به چشم نمی‌خورد.

زیرعنوان‌های درون فصل‌ها شماره‌گذاری دارند و این عنوان‌ها با تغییر قلم (اندازه و برجسته‌کردن) نیز مشخص شده‌اند. نکته حائز اهمیت در این اثر آن است که مترجم برای شماره‌گذاری بخش‌ها و زیرعنوان‌های هر فصل، شماره فصل را نیز لحاظ کرده است. این امر علاوه بر این که به انسجام کلی اثر کمک می‌کند، باعث می‌شود ارتباط بخش‌های یک فصل برای مخاطب وضوح بیشتری داشته باشد.

به لحاظ رعایت اصول نگارشی و استفاده از ابزارهای برجسته‌سازی واژه‌ها و عبارت‌ها و تنظیم مطالب، در نسخه ترجمه شده مانند نسخه اصلی کتاب از طیف وسیعی از ابزارهای نگارشی، چون استفاده از علائم سجاوندی، تغییر قلم، ایتالیک کردن، پراکنش، کروش، شماره‌گذاری، حروف الفبا، و ... برای تأکید بر مفاهیم، تسهیل خواندن، و درک متن استفاده شده است. همچنین، اصول جلدانویسی و سرهم‌نویسی در کل کتاب به خوبی رعایت شده‌اند. با وجود این، در برخی موارد استفاده نادرست یا استفاده نکردن از برخی علائم سجاوندی موجب شده است که درک مطلب تحت تأثیر قرار گیرد. از این بین، می‌توان به استفاده نکردن از ویرگول (برای نمونه، بنگرید به کوچش ۱۳۹۳: ۱۴۶، ۲۰۳، ۲۳۹، ۳۸۴، ۴۰۲)، استفاده نابه‌جا از ویرگول (همان: ۱۲۴)، استفاده نکردن از علامت سؤال (همان: ۲۰۳)، و عدم یکدستی در استفاده از علائم (همان: ۴۰۸) اشاره کرد.

گرچه به علت ماهیت اثر در سرتاسر کتاب مثال‌ها و عبارت‌های متعددی از زبان انگلیسی یا زبان‌های دیگر در کنار زبان فارسی و در بسیاری از موارد درون یک خط وجود دارد، با وجود این، تنظیم خطوط، اندازه قلم، و جهت نوشتن به شیوه‌ای مطلوب مورد استفاده قرار گرفته است.

با وجود حجم بالای اثر ترجمه شده اشکال‌های تایپی کمی در متن وجود دارد و از این منظر اثری کم‌اشتباه است، اما در برخی موارد اشکال‌هایی دیده می‌شود که نیازمند بازنگری



است؛ نظیر «داد» به جای «دارد» در صفحه ۱۳۹، «فصل» به جای «بخش» در صفحه ۳۸۲. هم‌چنین، مواردی از جدانویسی و پیوسته‌نویسی مانند استفاده نکردن از نیم‌فاصله برای علامت جمع «ها» در اکثر موارد و واژه‌هایی مانند «نمی‌کند» در صفحه ۳۰۷، استفاده از «است» به جای «ست» بعد از واژه‌های مختوم به «الف»، گذاشتن علامت پانویس در میان واژه به جای پایان آن مانند صفحه ۱۶، املاهای نادرست به صورت «مبدأی» در صفحه ۹۲ و یک‌دست نبودن املاهای همین واژه در صفحه ۱۲۹.

شیوه ارجاع‌دهی در درون متن و کتاب‌نامه به پیروی از نسخه اصلی کتاب، از اصول علمی و بین‌المللی رایج پیروی می‌کند، با وجود این، در برخی از موارد رعایت نکردن یک‌دستی و پیروی از یک الگوی واحد برای ذکر نام افراد در متن کتاب به چشم می‌خورد؛ به این صورت که در مواردی از نام کامل فرد (برای نمونه، بنگرید به «پیترا» در صفحه ۲۹۴، «ری گبیز» در صفحه ۲۳۳، «ایو سوئترز» در صفحه ۳۳۳، «گئورگی لاسلو» در صفحه ۳۳۶، «ملانی ریدر» در صفحه ۳۷۶، و «النا سمینو» در صفحه ۳۷۷)، از حرف اول اسم فرد به همراه نام خانوادگی او (برای نمونه، بنگرید به «ر. الکساندر»، «ف. بوئرز»، «ل. کامرون»، «آ. دیگنان»، و «پ. درو» در صفحه ۳۲۵) و در دیگر موارد فقط از نام خانوادگی برای ارجاع به اشخاص استفاده شده است. در برخی موارد، شکل لاتین اسامی افراد به صورت پانویس ارائه نشده است (برای نمونه، بنگرید به کوشش ۱۳۹۳: ۹، ۵۰، ۱۸۸، ۲۵۸، ۲۹۱، ۲۹۴، ۳۷۶، ۳۸۸). هم‌چنین، در برخی موارد که مؤلف یک اثر بیش‌تر از یک فرد است، بهتر است پانویس برای هر یک از اسامی به صورت مجزا انجام شود (مثلاً، در صفحه ۳۳۷ نام هر دو نویسنده در یک پانویس ذکر شده است).

## ۴. نقد محتوایی اثر

### ۱.۴ چیدمان فصل‌ها

در هر فصل یک موضوع خاص دنبال می‌شود و اطلاعات را به نحوی در اختیار خواننده قرار می‌دهد، به گونه‌ای که یک فصل به تنهایی می‌تواند آشنایی لازم را در خصوص موضوع آن فصل به دست دهد. چیدمان فصل‌ها با دقت انتخاب شده و به نحوی است که خواننده مفاهیم را به ترتیب پیچیدگی آن‌ها یاد بگیرد. در نتیجه، آموزش و معرفی مفاهیم و موضوع‌ها در این کتاب سیر منطقی را طی می‌کند و مباحث جدید در هر فصل براساس موضوع‌های پیش‌تر معرفی شده طرح می‌شوند. به این ترتیب، چیدمان فصل‌های کتاب از مفاهیم کلی

نظیر «استعاره چیست» و «حوزه‌های مبدأ و مقصد» شروع می‌شود و به مطالب خاص‌تر، نظیر «آمیختگی مفهومی» و «استعاره در گفتمان» می‌انجامد. از لحاظ محتوایی، می‌توان مطالب این کتاب را به دو بخش کلی تقسیم کرد: در بخش اول، که فصل‌های اول تا یازدهم را شامل می‌شود، کوچش مفاهیم پایه‌ای رویکرد زبان‌شناسی شناختی به مطالعه استعاره را به‌طور خاص معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد. بخش دوم کتاب از منظر مباحث مطرح‌شده و محتوای آن‌ها فصل‌های دوازدهم تا نوزدهم را در بر می‌گیرد، که شامل مباحثی است که با موضوع اصلی کتاب (استعاره) به‌نحوی در ارتباط است. حجم بالای مثال‌ها و استناد به پژوهش‌های دیگر پژوهش‌گران، به‌هم‌راه نحوه نگارش و استدلال کتاب باعث شده است که تحلیل‌ها و تبیین‌های ارائه‌شده در کتاب استحکام بالایی داشته باشند. بنابراین آنچه گفته شد، کتاب از نظم منطقی و انسجام درونی بالایی برخوردار است.

فصل‌های کتاب با مقدمه‌ای درباره موضوع موردبحث در آن فصل شروع می‌شود، هرچند عنوانی جداگانه برای مقدمه داده نشده است. در پایان هر فصل، منابع متعددی با عنوان «مطالعه بیشتر»، موضوع‌های مختلف و مرتبط با سرفصل‌های معرفی‌شده در آن فصل، با توضیحی مختصر در مورد هر اثر به خوانندگان معرفی شده است، که می‌تواند برای خوانندگان و دانشجویان علاقه‌مند به موضوع‌های گوناگون مورد اشاره در آن فصل بسیار راه‌گشا باشد. بخش پایانی تمامی فصل‌ها، به‌جز فصل نوزدهم، به «تمرین‌ها» اختصاص دارد و با در نظر داشتن موضوع‌های مطرح‌شده در هر فصل سؤال‌هایی برای دانشجویان مطرح شده است. وجود بخش‌های خلاصه، مطالعه بیشتر، و تمرین در پایان فصل‌ها باعث یادگیری منسجم، درگیر شدن خواننده با موضوع، و آشناسدن او با آثار و شخصیت‌های مطرح درباره موضوع موردبررسی می‌شود که مجموعه این موارد، کمک به‌سزایی به افزایش جنبه آموزشی این اثر کرده است.

#### ۲.۴ استفاده از مثال‌ها

در سرتاسر کتاب مثال‌های فراوان به زبان‌های گوناگون وجود دارد که به فهم مباحث مطرح‌شده در آن کمک شایانی کرده است. زبان‌هایی نظیر چینی، ژاپنی، و لهستانی از جمله زبان‌هایی هستند که در کتاب به آن‌ها استناد شده است. کوچش در بسیاری از موارد از مثال‌های یکسان برای معرفی و نشان‌دادن موضوع‌های مختلف استفاده کرده است. به این صورت که از استعاره‌های مفهومی یکسان و نیز یافته‌های خود در مورد

مفاهیم عاطفی در فصل‌های متعدد به‌منظور شرح و توضیح موضوع‌های گوناگونی نظیر استعاره، مجاز، اصطلاحات، و حتی استعاره‌های مفهومی همگانی بهره برده است. این امر موجب تسهیل در دنبال‌کردن موضوع‌ها و برخورداری کتاب از نظم منطقی و انسجام بالا شده است. علاوه بر ارائه نمونه‌های فراوان، از نمودارهای متنوع برای نشان‌دادن نگاشت‌های مفهومی و فضاها می‌آمیخته به میزان لازم استفاده شده است که بر جنبه آموزشی اثر می‌افزاید.

#### ۳.۴ استفاده از منابع

با نگاهی، هرچند گذرا، به بخش منابع کتاب دو نکته جلب توجه می‌کند: از یک سو، فهرست منابع نشان‌دهنده گستردگی حوزه مطالعاتی مؤلف در زمینه استعاره است و از سوی دیگر، نشان‌دهنده تعداد زیادی از منابع مختلف است، که با در نظر داشتن سال انتشار ویراست دوم کتاب (۲۰۱۰) حاکی از استفاده مؤلف از منابع روزآمد و مطرح در حوزه‌های مرتبط با مباحث و موضوعات مطرح شده در کتاب است.

#### ۴.۴ رعایت اصول اخلاق علمی و قواعد نگارش و ویرایش

در نسخه ترجمه شده اصول و اخلاق علمی و قواعد نگارشی و ویرایش ادبی به‌نحو مطلوبی رعایت شده است؛ با این حال، ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد: رعایت نکردن یک‌دستی ضمیرها برای ارجاع به فاعل در زمانی که فاعل جمله نویسنده کتاب (کوچش) است و مطلبی از او نقل می‌شود. برای نمونه، در صفحه ۲۷۶ در ابتدا، از ضمیر «من» برای ارجاع به نویسنده کتاب استفاده شده است و در ادامه این صفحه، ضمیر دوم شخص جمع برای این منظور به کار رفته است. همین وضعیت در مورد صفحه‌های ۴۰۴ و ۴۰۵ نیز صدق می‌کند. همچنین، در ترجمه به مواردی برمی‌خوریم که از فعل «می‌باشد» به جای افعال «است» و «هست» استفاده شده است و بهتر است اصلاح آن در نسخه‌های بعدی کتاب مورد توجه قرار گیرد.

در برخی موارد و به‌طور خاص در بخش‌های مربوط به «مطالعه بیشتر» شیوه نگارش و معرفی اثر به سبک محاوره‌ای نزدیک شده و به بازنگری نیاز دارد. مثلاً، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- «کوچش و پیتر سابو (۱۹۹۶) گزارش تحقیقی است...» (کوچش ۱۳۹۳: ۳۱۳)؛

- «کوچش (۱۹۸۶ و ...) ساختار استعاری و مجازی مفاهیم احساسی را بررسی کرده است» (همان: ۱۷۳).

به نظر می‌رسد که این جمله‌ها نیازمند بازنویسی‌اند و فاعل آن‌ها می‌تواند «اثر» یا «پژوهش» باشد. این مسئله درباره شیوه نگارش کتاب‌ها و ارجاع به آن‌ها در این بخش نیز به چشم می‌خورد. در این موارد از هیچ‌یک از شیوه‌های رایج و پذیرفته‌شده ارجاع درون‌متنی استفاده نشده است؛ برای نمونه:

- «ریموند گیز، ویراستار، راهنمای استعاره و تفکر کمبریج (۲۰۰۸)» (همان: ۱۰).

در مواردی، جمله‌ها به علت نادرستی بودن نیازمند ویرایش‌اند، برای نمونه:

- جمله اول پاراگراف پایانی دوم در صفحه ۵،

- جمله پایانی پاراگراف دوم در صفحه ۲۸،

- جمله پایانی پاراگراف اول در صفحه ۳۵،

- جمله اول پاراگراف دوم در صفحه ۱۳۳.

#### ۵.۴ برابرنهادهای فارسی

انتخاب برابرنهادهای فارسی برای اصطلاح‌های انگلیسی در بیش‌تر موارد بسیار خوب به نظر می‌رسد؛ باوجوداین، در مواردی برابرنهادهای فارسی به بازنگری نیاز دارند برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد: عبارت «انطباق» به جای «نگاشت» برای «mapping»، «جهانی» به جای «همگانی» برای «universal»، «تجسم» به جای «بدن‌مندی» برای «embodiment»، «استعاره ساده» به جای «استعاره اولیه» برای «primary metaphor»، «ترادف» به جای «هم‌معنایی» برای «synonymy»، «اصلی» به جای «پیش‌نمونه» برای «prototype»، «نمونه آرمانی شناختی» به جای «الگوی آرمانی شناختی» برای «Idealized Cognitive Model»، «دستگاه عصبی خودکار» به جای «دستگاه عصبی خودگردان» برای «automatic nervous system». هم‌چنین، مترجم از واژه «تیین» به منزله برابرنهاد عبارت‌های «to express» و «to show» استفاده کرده است، درحالی‌که این اصطلاح در زبان‌شناسی به منزله برابرنهاد «explanation»، که یکی از سطوح تحلیل است، کاربرد دارد و بهتر بود از واژه‌های دیگری برای این منظور استفاده شود. «احساس» به منزله برابرنهاد «emotion» به کار برده شده، درحالی‌که «عاطفه» اصطلاح رایج‌تری برای این مفهوم است. کاربرد «عاطفه» به جای

«احساس»، علاوه بر رواج بیش‌تر، باعث نشان‌دادن تفاوت مفاهیم «emotion» و «sense» (که آن هم از اصطلاح‌های تخصصی در حوزه زبان‌شناسی شناختی است) می‌شود. «درون‌متنی» برای «intertextual» و «بینامتنی» برای «intratextual» به‌کار برده شده است. این موارد علاوه بر این که به بازنگری نیاز دارند و به جای یک‌دیگر به‌کار گرفته شده‌اند، با توضیح‌های بخش‌های مربوط نیز هماهنگی ندارند (کوچش ۱۳۹۳: بخش‌های ۱۸-۱ و ۱۸-۲). در برخی موارد، شاهد یک‌دست‌نبودن در کاربرد مفاهیم و اصطلاحات معرفی‌شده از سوی مترجم هستیم. مثلاً، می‌توان به این موارد اشاره کرد: اصطلاح‌های «درون‌متنی» و «بینامتنی» در صفحه‌های ۳۷۴ و ۳۷۵؛ «خوشحالی»، «خوشحال‌بودن» و «شادی» در صفحه‌های ۱۹۰ و ۲۶۱؛ «قضاوت» در صفحه ۱۶۰ و «ارزیابی» در صفحه ۱۶۱؛ «جنبه» در صفحه ۱۷۴ و «وجه» در صفحه ۱۷۵؛ «اصل عدم تغییر» و «اصل تغییرناپذیری» در فصل ۹؛ «چیزها» و «اشیا» در فصل ۹؛ «خشم» و «عصبانیت» در فصل ۱۳ برای ارجاع به یک حوزه مبدأ یک‌سان؛ «طرح‌واره‌های تصویری» و «تصویری — طرح‌واره‌ای» در فصل ۱۶.

#### ۶.۴ پانوشت‌ها

نکته حائز اهمیت در ترجمه این اثر در جایگاه متنی تخصصی، انتخاب برابرناادهای اصطلاح‌ها و ارائه آن‌ها در پانوشت است و مترجم در این زمینه با دقت عمل کرده است. در کنار این نکته مثبت، برخی از اصطلاح‌های معرفی‌شده در اثر پانوشت ندارند (برای نمونه «فضاهای ذهنی» در صفحه ۲۵۱، «پیشینه فردی» در صفحه ۲۹۹، «استعاره‌های زنجیره بزرگ» در صفحه ۲۰۸، «آزمون شبیه است» در صفحه ۲۳۳، «مثلث نشانه‌شناختی» در صفحه ۲۳۶، «سطح عام» در صفحه ۲۷۸، «مبتدا — خبر» در صفحه ۳۴۳، «بسته مفهومی» در صفحه ۳۵۲، «تلفیق مفهومی» در صفحه ۳۶۴، «تلفیق مفهومی» در صفحه ۳۶۴، «واژگان ذهنی» در صفحه ۴۰۱، و «معیار» در صفحه ۴۰۸). این مسئله خواننده را در امر برابریابی برای این اصطلاح‌ها و در نهایت، درک صحیح تحلیل‌ها دچار مشکل می‌کند.

#### ۷.۴ ترجمه‌نکردن بخش‌هایی از کتاب

در برخی از موارد بخش‌هایی از متن اصلی کتاب ترجمه نشده است (برای نمونه، تعریف ناتمام «مجاز مفهومی» در صفحه ۱۵۷؛ ترجمه‌نکردن بخشی از مثال‌ها در صفحه‌های ۱۹۷ و ۲۰۷؛ ترجمه‌نکردن برخی از تمرین‌ها در صفحه‌های ۲۰۴-۲۰۵؛ ترجمه‌نکردن کامل

نمودارهای صفحه‌های ۲۳۸ و ۴۱۰). این موضوع گاهی باعث می‌شود که مطلب به‌طور کامل منتقل نشود. بهتر بود که مترجم در مواردی که به‌علت ترجمه‌ناپذیری یک عبارت مجبور به حذف آن شده، در پانویس به آن اشاره می‌کرد. در برخی از موارد برای عبارت‌های انگلیسی برابری فارسی ارائه نشده است. این درحالی است که مخاطبان این کتاب دانشجویان و پژوهش‌گران فارسی‌زبان هستند. ارائه مثال‌هایی از فارسی می‌تواند به فهم عمیق‌تر موضوع بسیار کمک کند (برای نمونه، عبارت‌های مطرح‌شده در صفحه‌های ۲۳۱، ۳۰۳، و ۳۱۸ و مثال‌های صفحه‌های ۲۴۲-۲۴۳).

#### ۸.۴ تحلیل‌های ارائه‌شده

تحلیل‌های ارائه‌شده در کتاب منسجم و دقیق‌اند و در هر بخش به نمونه‌های متعددی برمی‌خوریم که از ابزارها و مفاهیم معرفی‌شده آن بخش و بخش‌های پیشین، برای تحلیل عبارت‌های زبانی استفاده شده است. این تحلیل‌ها بیش‌تر با توضیح‌هایی مبسوط همراه‌اند و در بسیاری از موارد برای روشن‌تر شدن موضوع به پژوهش‌ها، تحلیل‌ها، و آرای دیگر صاحب‌نظران موضوع موردبحث استناد شده است. ترجمه نمونه‌های زبانی و تحلیل آن‌ها در نسخه ترجمه‌شده به‌شکلی مطلوب صورت گرفته است و مترجم برگردان مثال‌ها و تحلیل‌ها را به‌نحوی ارائه کرده که بیش‌ترین سازگاری را با زبان فارسی داشته باشد. بااین‌حال، نکته بسیار مهمی که در مورد نسخه ترجمه‌شده به‌چشم می‌خورد، این است که در برخی از موارد ترجمه مثال‌ها و عبارت‌های انگلیسی به فارسی به‌نحوی است که به‌نظر می‌رسد استعاره مفهومی موجود در مثال در زبان فارسی تغییر کرده و این مسئله تحلیل‌های ارائه‌شده را تحت‌تأثیر قرار داده است. برای نمونه:

- «استدلالش را در هم شکستم» ذیل استعاره مفهومی [بحث جنگ است] آورده شده است، درحالی‌که به‌نظر نمی‌رسد که حوزه مبدأ این استعاره فقط جنگ باشد (کوچش ۱۳۹۳: ۱۸)؛
- «داستانی سر هم کرد که هیچ‌کس باور نمی‌کند» ذیل حوزه مبدأ آشپزی و غذا آورده شده است، درحالی‌که به‌نظر نمی‌رسد حوزه مبدأ این استعاره غذا باشد (همان: ۳۹)؛
- برگردان مثال‌های مطرح‌شده در مورد استدلال برای یک‌سویه‌بودن استعاره‌های مفهومی باید به‌نحوی باشد که اگر یک عبارت درست است، عکس آن نادرست باشد؛ بااین‌حال، عبارت‌های فارسی «بیماری جامعه» و «تصمیم‌گیری دستگاه‌ها» که

عکس عبارت‌های «جامعه بیمار» و «دستگاه تصمیم‌گیری» است، در زبان فارسی نادرست به نظر نمی‌رسد (همان: ۴۹). به‌منزله نمونه‌های واقعی از کاربرد این عبارت‌ها می‌توان به این عبارت‌ها اشاره کرد: «سفر ولایتی در چهارچوب تصمیم دستگاه دیپلماسی بود»<sup>۱</sup> و «آیت‌الله خاتمی بزرگ‌ترین بیماری جامعه را جهل و نادانی عنوان کرد»<sup>۲</sup>؛

- «رفته تو کما» ذیل استعاره جهتی [بی‌هوشی پایین است] آورده شده، درحالی‌که از این عبارت استعاره مفهومی [بی‌هوشی مکان/حجم است] استنباط می‌شود (همان: ۶۶). عبارت‌های «رفته تو اتاق» و «یه چیزی رفته تو چشم!» و مقایسه آن‌ها با عبارت به‌کاررفته در نسخه ترجمه‌شده مؤید این موضوع است.

- «او دارد از دست می‌رود» ذیل استعاره [عشق غذاست] آورده شده، درحالی‌که از این عبارت در فارسی استعاره مفهومی [عشق نیرو است] برداشت می‌شود (همان: ۱۴۰)؛

- درمورد مثال ۳ در صفحه ۲۰۷، استعاره مفهومی [شغل ساختمان است] ذکر شده است، درحالی‌که به نظر می‌رسد استعاره مفهومی [شغل دستگاه است] نیز باتوجه‌به ترجمه فارسی در این مورد درست باشد؛

- درمورد مثال ۱۰ در صفحه ۲۰۷، استعاره مفهومی [نظام اقتصادی ساختمان است] ذکر شده است، درحالی‌که فروپاشی لزوماً به ساختمان مربوط نیست (مانند فروپاشی ذرات اتم) و به نظر می‌رسد که «فروریختن» در این مثال برای این استعاره مفهومی گویاتر باشد.

- «دود از کله امیر بلند شد» برای نشان‌دادن «خشم» در زبان فارسی ذکر شده است، درحالی‌که این عبارت در زبان فارسی می‌تواند برای بازنمایی مفهوم «شگفت‌زدگی و ناراحتی» نیز کاربرد داشته باشد (همان: ۲۶۴)؛

- «آن دو رابطه محکمی دارند» ذیل نظام انتزاعی ساختمان ذکر شده است، اما به نظر نمی‌رسد که از این عبارت چنین مفهومی برداشت شود. این برداشت زمانی درست است که فعل جمله «ساختند» باشد (همان: ۲۱۷)؛

- مثال «آتش نفاق میان آن‌ها سرانجام فروکش کرد» ذیل استعاره مفهومی [عشق آتش است] آورده شده است، درحالی‌که به نظر می‌رسد که از این عبارت در فارسی استعاره مفهومی [نفاق آتش است] برداشت می‌شود (همان: ۳۰۹).

#### ۹.۴ معرفی رویکردهای مختلف

نظریه استعاره معاصر پارادایم جدیدی را برای پژوهش فراهم آورده است که در درون آن به بسیاری از پرسش‌هایی که از گذشته وجود داشت پاسخ داده می‌شود و نیز پرسش‌های جدید بسیاری مطرح می‌شود. چهارچوب زبان‌شناسی شناختی به‌تنهایی ظرفیت محدودی برای پاسخ‌گویی به مسائل محوری و حیاتی در مورد استعاره دارد. به‌منظور نیل به این هدف اتخاذ رویکردی بین‌رشته‌ای موردنیاز است. استعاره فقط موضوع زبان و تفکر نیست و به ارتباط نیز مربوط می‌شود. به همین علت، رویکرد مطالعه استعاره نباید فقط به جنبه‌های زبانی (نشانه‌شناختی) و شناختی (روان‌شناختی) محدود شود، بلکه اتخاذ منظری جامعه‌شناختی در مطالعه استعاره از اهمیتی بالا برخوردار است (Steen 2011). کوشش در این کتاب، منظری نسبتاً مشابه به مطالعه استعاره دارد و ضمن معرفی رویکردهای مختلف، به رابطه جامعه، فرهنگ، و گفتمان با موضوع استعاره اذعان دارد و بخش‌هایی از کتاب را به این امر اختصاص داده است.

#### ۵. نتیجه‌گیری

در مجموع، نسخه ترجمه‌شده از نظر شکلی و ساختاری وضعیت خوبی دارد. کیفیت چاپ، طرح روی جلد، رعایت حاشیه و صفحه‌آرایی، و تنظیم مطالب بسیار خوب است. مشخص کردن فصل‌های متعدد و زیرعنوان‌های آن‌ها با شماره، استفاده درست از امکاناتی نظیر نوع و اندازه قلم، تغییر قلم، ایتالیک کردن، پراگماتر، کرشه، شماره‌گذاری، علائم سجاوندی، و ... نیز به این وضعیت کمک کرده است. باوجوداین، شاید بهتر باشد در نسخه‌های بعدی کتاب به جای استفاده از قلم تیره برای نوشتن انطباق‌ها (نگاشت‌ها)، از قلمی دیگر (مثلاً نستعلیق)، که با قلم متن اصلی تفاوت داشته باشد، یا قلاب ([ ]) استفاده شود.

کتاب واژه‌نامه توصیفی، پاسخ تمرین‌ها، فهرست منابع، نمایه اعلام و نمایه موضوعی، نمایه استعاره‌های مفهومی و نمایه مجازهای مفهومی دارد که به بهتر شدن ساختار کتاب و دسترسی سریع‌تر به مفاهیم مطرح‌شده در آن کمک می‌کند. باوجوداین، نبودن واژه‌نامه فارسی به انگلیسی از جمله نقاط ضعفی است که برای مخاطب فارسی‌زبان می‌تواند ایجاد مشکل کند و بهتر است که در چاپ‌های بعدی کتاب این موضوع موردتوجه قرار گیرد.



بررسی نسخه ترجمه شده و مقایسه آن با نسخه اصلی کتاب مشخص می‌کند که مترجم زمان زیادی را برای ارائه ترجمه‌ای خوب و روان صرف کرده است. وجود جمله‌های طولانی، تعداد زیاد نقل قول‌ها، اسامی مکان‌ها و اشخاص، اصطلاح‌ها و عبارت‌هایی از زبان‌هایی به جز زبان انگلیسی در متن اصلی، از جمله مواردی است که می‌توانست کار ترجمه این کتاب را دشوار کند. با وجود این، به نظر می‌رسد که مترجم در امر ترجمه موفق بوده و مخاطب در هنگام خواندن کتاب احساس نمی‌کند که متن ترجمه است.

مترجم هر جا که قادر بوده مثال‌ها را به فارسی ترجمه کرده و در مواردی از ترجمه مثال‌ها خودداری کرده است. هم‌چنین، در برخی از موارد توضیح‌هایی را در قالب پانوشته (برای نمونه، Pearl Harbor در فصل ۱۱) ارائه کرده که به قوت کار افزوده است. در مجموع، می‌توان این اثر را نمونه‌ای از یک ترجمه موفق و کم‌خطا معرفی کرد که مترجم در عین وفاداری به متن اصلی، متنی شیوا و قابل فهم ارائه کرده است. با وجود این، برخی از نکات در مورد نسخه ترجمه شده کتاب، مانند ترجمه نکردن بخش‌هایی از کتاب اصلی، تغییر کردن استعاره مفهومی در اثر ترجمه شده، ارائه نکردن مثال از زبان فارسی (به هم‌راه دیگر مواردی که در بخش‌های پیشین آورده شده است) قابل ذکر است، که امید می‌رود در ویراست بعدی، با تجدیدنظر در این موارد، شاهد ارتقای کیفی بیش از پیش اثر باشیم.

## پی‌نوشت‌ها

۱. تارنمای خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا): <<https://www.ima.ir/news/82972196>>
۲. تارنمای خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا): <<https://www.isna.ir/news/zanjan-89162>>

## کتاب‌نامه

- افراشی، آریتا (۱۳۹۷)، *استعاره و شناخت*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خادم‌زاده، وحید و محمد سعیدی‌مهر (۱۳۹۳)، «استعاره‌های مفهومی علیت در دیدگاه لیکاف»، *شناخت*، ش ۷۱.
- کوچش، زلتن (۱۳۹۳)، *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*، ترجمه شیرین پورابراهیم، تهران: سمت.

Forceville, C. (2003), "Review of the Book *Metaphor: A Practical Introduction*, by Z. Kövecses", *Journal of English Linguistics*, vol. 31 (2).

- Ibáñez, F. J. and L. Hernandez (2011), "The Contemporary Theory of Metaphor: Myths, Developments and Challenges", *Metaphor and Symbol*, vol. 26 (3).
- Kövecses, Z. (1988), *The Language of Love: The Semantics of Passion in Conversational English*, Bucknell University Press.
- Kövecses, Z. (1990), *Emotion Concepts*, Springer: Verlag New York.
- Kövecses, Z. (2000), *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2005), *Metaphor in Culture: Universality and Variation*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2006), *Language, Mind, and Culture: A Practical Introduction*, Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2010 a), *Metaphor: A Practical Introduction*, Oxford: Oxford University Press.
- Kövecses, Z. (2010 b), "Metaphor: A Practical Introduction", in: *Metaphor and the Social World*, Reviewed by Fiona MacArthur, vol. 1 (1).
- Kövecses, Z. (2015), *Where Metaphors come from: Reconsidering Context in Metaphor*, Oxford: Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1993), "The Contemporary Theory of Metaphor", in: *Metaphor and Thought*, A. Ortony (ed.), Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. and M. Johnson (1980), *Metaphors We Live by*, Chicago: Chicago University Press.
- Ortony, A. (ed.) (1979/ 1993), *Metaphor and Thought*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Steen, G. J. (2003), "Review of Zoltan Kövecses, 'Metaphor: A Practical Introduction' [Review of: Z. Kövecses (2002) *Metaphor: A Practical Introduction*]", *Language and Literature*, vol. 12.
- Steen, G. J. (2011), "The Contemporary Theory of Metaphor- Now New and Improved", *Review of Cognitive Linguistics*, vol. 9, Issue 1.